

فلسفة عرفانی افلوطین

مؤلف: غلامرضا رحمانی



دفتر نشر

(الف)

رحمانی، غلامرضا، ۱۳۴۳-

فلسفه عرفانی افلوطین / غلامرضا رحمانی. - تهران: نشر سفینه، ۱۳۸۶

ISBN: 978-600-5001-02-0

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. افلوطین، ۲۰۴-۲۷۰ ق.م.

۲. فلسفه یونانی -- تاریخ.

۳. نوفلاطون‌گرایی

۱۸۶/۴

۱۳۸۶ ۳ ر ۷ ی / ۶۹۳ B

۱۱۶۰۸۷۱

کتابخانه ملی ایران



نشر سفینه

نشانی: تهران، جنوب شرقی بل سیدخندان، خیابان شهید کابلی، کوچه شهید آگاهی، شماره ۳۳، کدپستی: ۱۶۳۱۷۶۷۵۱۱، صندوق پستی: ۱۴۱۸۵/۶۱۶،

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۱۲۵۳۸۲۶

تلفن و نمابر: ۸۸۴۶۵۴۱۶

واحد نشر

غلامرضا رحمانی

فلسفه عرفانی افلوطین

• نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۷ • صفحه‌آرایی: فاطمه براری • مدیر اجرایی: حسن عسگری • شمارگان (تیراژ): ۱۰۰۰ نسخه

• قیمت: ۶۰۰۰ تومان • طراحی جلد: ایمان نوری نجفی • پراستار: سیدحمید رهنما

• چاپ: سازمان چاپ و وزارت ارشاد • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۰۱-۰۲-۰ • ISBN: 978-600-5001-02-0

• همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. ©All right reserved Printed in I.R.Iran

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۳
فصل اول: اُقنوم واحد.....	۱۳
بخش اول: ذات واحد نخستین.....	۱۵
خداشناسی تنزیهی.....	۱۵
وحدانیت ذات واحد نخستین.....	۴۰
بساطت ذات واحد نخستین.....	۴۶
حضور ذات واحد نخستین.....	۵۹
شهود واحد نخستین.....	۷۲
بخش دوم: فیض و صدور.....	۸۸
صدور عقل از واحد.....	۸۸
صدور کثیر از واحد.....	۱۰۰
فصل دوم: اُقنوم عقل.....	۱۰۷
بخش اول: ماهیت عقل کلی.....	۱۰۹
عقل و هستی.....	۱۰۹
اتحاد عقل، عاقل و معقول.....	۱۱۸
عظمت و شرافت عقل.....	۱۲۶
بخش دوم: ماهیت جهان معقول.....	۱۳۳
ویژگی‌های جهان معقول.....	۱۳۳
مادهٔ معقول.....	۱۳۶
تنزه جهان معقول از وصف بالقوه.....	۱۴۱

صفحه	عنوان
۱۴۴.....	ابدیت جهان معقول.....
۱۵۰.....	بخش سوم: مُثُل معقوله.....
۱۵۰.....	ماهیت مُثُل معقوله.....
۱۵۶.....	جایگاه مُثُل معقوله.....
۱۶۳.....	علم عقل به مُثُل معقوله.....
۱۶۹.....	مُثُل معقوله افراد.....
۱۷۵.....	فصل سوم: اُقنوم نفس
۱۷۷.....	بخش اول: نفس کلیه عالیه.....
۱۸۱.....	بخش دوم: نفس کلیه دانیه.....
۱۸۱.....	قدرت آفرینندگی روح دانی.....
۱۸۳.....	نگرش روح دانی به ذات خویش.....
۱۸۷.....	تکون کالبد روح جهان.....
۱۹۵.....	فصل چهارم: نفوس فردی
۱۹۷.....	بخش اول: ماهیت روح فردی.....
۱۹۷.....	نظریه جسمانیت.....
۲۰۵.....	نظریه هماهنگی فیثاغورس.....
۲۱۲.....	نظریه انطلیخیای ارسطو.....
۲۱۸.....	بخش دوم: تنزه روح فردی از تأثرات.....
۲۱۸.....	تنزه ارواح از انفعالات.....
۲۲۱.....	تنزه روح فردی از تأثرات بدنی.....
۲۲۶.....	علم روح و تنزه آن از ادراک حسنی.....

۲۳۱	بخش سوم: تکثر و تشابه ارواح
۲۳۱	وحدت و کثرت ارواح
۲۳۹	تقسیم پذیری و تقسیم ناپذیری روح
۲۴۶	تشابه ارواح با یکدیگر
۲۵۰	بخش چهارم: هبوط روح فردی از عالم معقول
۲۵۰	فرشته نگهبان روح فردی
۲۵۴	ورود روح فردی در بدن
۲۶۴	پیوند روح و بدن
۲۷۷	بخش پنجم: سعادت و شقاوت روح
۲۷۷	چیستی سعادت و شقاوت
۲۸۰	سعادت انسان
۲۸۴	بخش ششم: زیبایی و زشتی روح فردی
۲۸۴	ماهیت زیبایی و زشتی
۲۸۶	شناسایی زیبایی محسوس
۲۸۷	کیفیت ادراک زیبایی معقول
۲۸۹	زیبایی و زشتی روح
۲۹۲	لقای زیبایی مطلق
۲۹۸	بخش هفتم: تشبه روح آدمی به واحد نخستین
۲۹۸	وجود اقانیم ثلاثه در روح انسان
۳۰۴	ضرورت تشبه به واحد نخستین
۳۰۷	راه حصول تشبه به واحد نخستین
۳۱۱	بخش هشتم: سفر روح به سوی جهان معقول
۳۱۱	سفر روحانی از دیدگاه افلوپین

صفحه	عنوان
۳۱۷.....	علم دیالکتیک.....
۳۲۱.....	سفر روحانی از دیدگاه عرفای اسلامی.....
۳۳۶.....	سفر عقلی از دیدگاه حکمای اسلامی.....
۳۵۳.....	بخش نهم: عاقبت روح فردی.....
۳۵۳.....	بقای روح فردی.....
۳۶۲.....	ترک اجباری روح از بدن.....
۳۶۷.....	عروج ارواح مهذب.....
۳۶۹.....	تناسخ ارواح ناقص.....
۳۷۵.....	کیفر ارواح عاصی.....
۳۸۵.....	فصل پنجم: جهان محسوس.....
۳۸۷.....	بخش اول: ماده نخستین جهان محسوس.....
۳۸۷.....	ماهیت ماده نخستین.....
۳۹۲.....	انفعال ناپذیری ماده نخستین.....
۳۹۷.....	ماده نخستین به عنوان موجود بالقوه.....
۴۰۱.....	بهره مندی ماده اولی از ایده.....
۴۰۹.....	تنزه ماده اولی از اندازه و بزرگی.....
۴۱۲.....	بخش دوم: ویژگی های کیهان.....
۴۱۲.....	فناناپذیری کیهان.....
۴۱۵.....	حرکت مستدیر کیهان.....
۴۱۸.....	اجرام سماوی و وقایع آینده.....
۴۲۲.....	بخش سوم: نقش تقدیر در جهان محسوس.....
۴۲۲.....	تکون جهان محسوس از تقدیر.....

۴۲۹.....	تردید در وجود تقدیر
۴۳۸.....	توزیع نابرابر تقدیر
۴۴۱.....	بخش چهارم: برنامه جهان
۴۴۳.....	اجزای نابرابر برنامه جهان
۴۴۶.....	وحدت و کثرت برنامه جهان
۴۵۱.....	بخش پنجم: هستی و چیستی زمان
۴۵۱.....	کیفیت حدوث زمان
۴۵۵.....	معیار سنجش زمان
۴۵۸.....	بخش ششم: وجود شر در عالم محسوس
۴۵۸.....	ماهیت خیر و شر
۴۶۲.....	ضرورت وجود شر در عالم محسوس
۴۶۵.....	شریت ماده
۴۶۷.....	زیبایی اشیاء و ابدان محسوس
۴۷۱.....	پس گفتار
۴۷۳.....	منابع و مآخذ
۴۸۱.....	نمایه
۴۹۱.....	اعلام

پیشگفتار

نیایش افلوپین

«پیش از آغاز سخن،

خدا را می‌خوانیم،

ولی نه با سخن و صدا،

بلکه از این طریق که

روحمان دست دعا به سوی او بردارد؛

زیرا

تنها به این سان می‌توانیم در تنهایی به او دعا کنیم.»^۱

۱. دوره آغاز افلوپین، ج ۲، انتاد پنجم، رساله اول، فصل ششم، ص ۶۶۸ (Enneads, vol.2, En.5, tr.1, ch.6)

مقدمه

سرگذشت افلوپین

افلوپین^۱ یا فلوپین که نزد فلاسفه و حکمای اسلامی به «شیخ الیونانی» مشهور و معروف است، در سال ۲۰۵م. در شهر لوکوپولیس در مصر علیا- در اسیوط، در مصر- متولد شد. از سرگذشت او تا قبل از سفر به اسکندریه و آغاز تحصیل فلسفه اطلاع چندانی نیست، زیرا او هیچ گاه درباره قوم، والدین و زادگاهش سخنی نگفته است.

افلوپین در بیست و هشت سالگی، یعنی در سال ۲۳۲م. برای تحصیل فلسفه و تعلم حکمت^۲ به اسکندریه سفر کرد و در آنجا به حلقه درس فلسفه آمونیوس ساکاس^۳، استاد فلسفه و مؤسس فلسفه نوافلاطونی^۴ وارد شد و تا سال ۲۴۲م. یعنی حدود ده سال شاگرد^۵ او بود و نزد وی به تحصیل فلسفه و فراگیری حکمت پرداخت و در خدمت او بود تا این که در آن فن متبحر و استاد شد.

-
1. Plotinus
 2. wisdom
 3. Ammonius Saccas
 4. Neo platonism
 5. pupil

چون آمونیوس ساکاس درباره فلسفه و آرای فلسفی خود چیزی ننوشته و آثاری از خود باقی نگذاشته است، از نظریاتش اطلاعی در دست نیست. از این رو، مورخین سیر آرای فلاسفه و نظریات فلسفی فلسفه نوافلاطونی را به شاگردش، یعنی افلوطین منتسب می‌کنند، زیرا افلوطین به تبع آمونیوس ساکاس به تدریس و احیای تفکر و فلسفه افلاطونی کمر همت بست^۱، شاگردان بسیاری را پرورش داد و آثار زیادی را درباره فلسفه افلاطونی به یادگار گذاشت. از این رو، مورخین سیر آرای فلسفی فلسفه افلوطین را به دلیل آن که اساس هستی‌شناختی^۲ و جوهر جهان‌بینی وی پیش از هر چیز افلاطونی است، فلسفه نوافلاطونی افلوطینی^۳ نامیده‌اند.

افلوطین پس از اتمام دروس فلسفه و حکمت و آموزش‌های فلسفی‌ای که توسط استاد خود، حکیم و فیلسوف الهی، آمونیوس ساکاس ارائه می‌شد، مشتاق آموزش و فراگیری فلسفه ایرانی و حکمت هندی شد و به همین دلیل برای دسترسی به آثار فلسفی و رسیدن به کتب حکمی ایرانی و هندی و آشنایی با فلاسفه ایرانی و حکمای هندی، داوطلبانه در جنگی شرکت کرد که بین آنتونیوس

۱. از این جهت می‌توان گفت فلسفه نوافلاطونی، مابعدالطبیعه، مابعدالطبیعه افلاطونی است و پلوتینوس جوهر فلسفه افلاطون یا لافل یک جنبه از آن را به‌خوبی روشن کرده است. بحث در مابعدالطبیعه، ص ۷۱۳.

۲. هستی‌شناسی و جهان‌شناسی افلوطین گرد سه مفهوم می‌چرخد که می‌توان آنها را سه بنیاد نامید. واژه هویستاسیس که افلوطین به کار می‌برد، چندین معنا دارد و در موارد گوناگون به کار می‌رود. اما از سوی افلوطین اصطلاح فلسفی بیش از هر چیز به معنای بنیاد، شکل موجودیت موجود واقعی و واقعیت به کار رفته است. وی این سه بنیاد را واحد، عقل [کلی] و روح می‌نامد. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، صص ۵۹۵-۵۹۴.

گریانوس سوم^۱، امپراتور روم و شاپور پسر اردشیر ساسانی (شاپور اول) پادشاه وقت ایران در سال ۲۴۳م. درگرفت.

افلوطین برای سفر به دو کشور شرقی یعنی ایران و هند که مهد حکمت و فلسفه اشراقی بودند و رسیدن به هدف خود همراه لشکر امپراتوری روم سفر به شرق را آغاز کرد و وارد سرزمین وسیع امپراتوری ایران شد، اما پس از کشته شدن امپراتور روم به دست فیلیپ عرب^۲ (ماکوس جولوس فیلیپوس) در بین‌النهرین در سال ۲۴۴م. از صحنه نبرد گریخت چون هدفش جنگ نبود. او در سن چهل سالگی به جای بازگشت به اسکندریه - شاید به خاطر مرگ آمونیوس ساکاس - به انطاکیه رفت؛ شهری باستانی در جنوب ترکیه و مرکز استان کنونی ختای.

به این ترتیب، افلوطین پس از این که ماکوس جولوس فیلیپوس، قاتل آنتونیوس گریانوس، به امپراتوری روم رسید، شهر انطاکیه را به قصد رُم ترک کرد و در آنجا اقامت نمود. سپس حوزه‌ای فلسفی و مدرسه‌ای حکمی را برای تدریس فلسفه و تعلیم حکمت الهی و احیای فلسفه افلاطونی و تربیت شاگردان و مشتاقان حکمت و فلسفه تأسیس کرد. وی در طول حیات فلسفیش شاگردان زیادی را تربیت کرد، مانند آمیوس اهل توسکانی، پالینوس اهل سیتوپولیس، استوخیوس اهل اسکندریه و مشهورتر از همه فروریوس یا پُرفوریوس^۳ اهل صور که بعدها همه آثار افلوطین را ویرایش کرد.

1. Gordianus III

2. Philip the Arabian

3. Porphyry of Tyre (233-303)

افلوطین زندگی ساده و زاهدانه‌ای داشت، طوری که حتی از خوردن گوشت شکار و گوشت حیوانات اهلی امساک می‌کرد. وی مزاجی سالم نداشت و بارها بیمار شد، به‌ویژه از بیماری روده بسیار رنج برد و برای مداوای آن اقدامی نکرد و از خوردن دارو امتناع می‌ورزید و بر آن بود که دارو برای مرد سالمندی مانند او مناسب نیست.

افلوطین پس از سال‌ها تدریس، سخنرانی و تربیت شاگرد دچار بیماری گلودرد شد، طوری که پس از مدتی صدایش گرفت و به‌سختی قابل شنیدن بود. همین‌طور بینایش ضعیف و دست و پاهایش زخمی شد و دوستان و شاگردانش به‌خاطر بیماری او از دیدارش اجتناب کردند.

افلوطین پس از عارض شدن بیماری و پراکنده شدن یارانش تصمیم گرفت تا رُم را ترک کند. او به کامپانیا، نزدیک خلیج نابُل، سفر کرد و در ملک رُئس مقیم شد؛ یکی از دوستانش که دار فانی را وداع گفته بود. او پس از سال‌ها تدریس فلسفه و تدوین آثار فلسفی سرانجام در سال ۲۷۰ م. و در سن شصت و شش سالگی دیده از جهان فرو بست.

افلوطین حدود بیست و شش سال در رُم به تعلیم فلسفه و تربیت شاگرد مشغول بود. در ده سال نخست سال‌های اقامتش در رُم بدون این که چیزی درباره فلسفه و دیدگاه‌های فلسفی خود بنویسد - جز دو رساله به نام‌های «رساله‌ای درباره دیوها و جن‌ها» و «پادشاه تنها سازنده است» - فلسفه الهی را به طور شفاهی^۱ به شاگردان خود تعلیم می‌داد و درس‌هایش را براساس دیدگاه‌های آمونیوس ساکاس قرار

می‌داد، بدون آن که عقاید او را آشکار سازد چون همراه با دو فیلسوف دیگر توافق کردند که هرگز در درس‌های خود چیزی از عقاید آمونیوس ساکاس را آشکار ننمایند. افلوطین بر عهد خود باقی ماند، اما آن دو عهد خود را شکستند.

آثار افلوطین

افلوطین پس از ده سال امتناع از کتابت رسایل فلسفی و خودداری از تدوین نظریات و دیدگاه‌های حکمی و فلسفیش سرانجام در حدود سال ۲۵۳ یا ۲۵۴ م. یعنی در چهل و نه سالگی شروع به نوشتن رسایل فلسفی و عقاید حکمی خویش نمود. وی تا سال ۲۶۳ م. یعنی قبل از ورود فرفروریوس صوری به رُم و پیش از آشنایی با وی بیست و یک رساله تألیف کرد. فرفروریوس پس از آشنایی با افلوطین و بعد از ورود در حلقهٔ درسی وی، با یکی از هم‌کلاسی‌هایش به نام آملیوس با اصرار از او می‌خواهند که تألیف رسایل فلسفی را ادامه دهد و افلوطین در طی زمانی که فرفروریوس در رُم و در حوزهٔ درسی او حضور داشت، بیست و چهار رسالهٔ دیگر تألیف کرد.

فرفروریوس پس از شش سال حضور فعال در درس‌های فلسفی افلوطین سرانجام رُم را به قصد جزیرهٔ سیسیل ترک کرد و رسایل چهل و پنج‌گانه‌ی افلوطین را همراه خود به سیسیل برد. افلوطین پس از رفتن فرفروریوس از رُم پنج رسالهٔ دیگر را نیز تألیف کرد و برای او فرستاد. به این ترتیب، تعداد رسایلی که افلوطین در طی اقامت بیست و شش‌ساله‌اش در رُم تألیف کرده است، پنجاه و چهار رساله است.

فرفروریوس در سن ثصت و هشت سالگی به گردآوری و ویرایش رسایل افلوطین اقدام کرد. وی رسایل پنجاه و چهارگانهٔ استادش را براساس موضوع در

شش گروه مختلف تقسیم کرد و در هر گروه نه رساله را گنجانده که هر یک از آنها به نوبه خود شامل چندین فصل است. وی پس از ویرایش و دسته‌بندی موضوعی رسایل افلوطین، مجموعه آنها را به دلیل آن که در هر یک از گروه‌های شش‌گانه تعداد نه رساله قرار داده بود، اینتادیس^۱ یعنی نه‌گانه‌ها، تساعات یا تاسوعات نامید که پس از آن، مجموعه رسایل افلوطین به همان نامی شهرت یافتند که فرفورئوس نهاده بود.

ترتیب کتابت مجموعه رسایل توسط افلوطین و همین‌طور ترتیب قرار گرفتن هر یک از آنها در اینتادیس توسط فرفورئوس - مطابق با گزارش وی که در پیوست اینتادیس و با عنوان زندگی افلوطین و سایر کتاب‌های او^۲ آمده است - به شرح ذیل است:

- رساله اول: درباره زیبایی (رساله ششم از انثاد اول).
- رساله دوم: درباره مرگ‌ناپذیری روح (رساله هفتم از انثاد چهارم).
- رساله سوم: درباره سرنوشت (رساله اول از انثاد سوم).
- رساله چهارم: ماهیت روح (رساله دوم از انثاد چهارم).
- رساله پنجم: عقل، ایده‌ها، هستی (رساله نهم از انثاد پنجم).
- رساله ششم: درباره فروافتادن روح در جهان تن (رساله هشتم از انثاد چهارم).
- رساله هفتم: «نخستین» و آنچه پس از او است (رساله چهارم از انثاد پنجم).
- رساله هشتم: آیا همه ارواح یک روح واحدند؟ (رساله نهم از انثاد چهارم).
- رساله نهم: درباره نیک یا واحد (رساله اول از انثاد پنجم).

1. Enneades

2. On the life of plotinus and the other of his books

- رساله دهم: سه اُقنوم اصلی (رساله اول از انثاد پنجم).
- رساله یازدهم: ترتیب پیدایی چیزها از «نخستین» (رساله دوم از انثاد پنجم).
- رساله دوازدهم: درباره دو نوع ماده (رساله چهارم از انثاد دوم).
- رساله سیزدهم: مطالب مختلف (رساله نهم از انثاد سوم).
- رساله چهاردهم: درباره گردش دورانی آسمان (رساله دوم از انثاد دوم).
- رساله پانزدهم: فرشته‌ای که بر ما گماشته شده (رساله چهارم از انثاد سوم).
- رساله شانزدهم: درباره ترک تن به خواست خود؛ «خودکشی» (رساله نهم از انثاد اول).
- رساله هفدهم: درباره کیفیت (رساله ششم از انثاد دوم).
- رساله هجدهم: آیا اشیای مفرد هم دارای ایده‌اند؟ (رساله هفتم از انثاد پنجم).
- رساله نوزدهم: درباره فضایل (رساله دوم از انثاد اول).
- رساله بیستم: درباره دیالکتیک (رساله سوم از انثاد اول).
- رساله بیست و یکم: ماهیت روح (رساله اول از انثاد چهارم).
- رساله بیست و دوم: هستی با آن که یکی و همان است، تمام آن در آن واحد در همه جا است «۱» (رساله چهارم از انثاد ششم).
- رساله بیست و سوم: هستی با آن که یکی و همان است، تمام آن در آن واحد در همه جا است «۲» (رساله پنجم از انثاد ششم).
- رساله بیست و چهارم: «واحد برتر از هستی» نمی‌اندیشد (رساله ششم از انثاد پنجم).
- رساله بیست و پنجم: وجود بالقوه و وجود بالفعل (رساله پنجم از انثاد دوم).

- رساله بیست و ششم: موجود بی جسم فارغ از انفعال است (رساله ششم از انثاد سوم).
- رساله بیست و هفتم: مسائل مربوط به روح «۱» (رساله سوم از انثاد چهارم).
- رساله بیست و هشتم: مربوط به روح «۲» (رساله چهارم از انثاد چهارم).
- رساله بیست و نهم: مربوط به روح «۳» (رساله پنجم از انثاد چهارم).
- رساله سی ام: درباره نظر (رساله هشتم از انثاد سوم).
- رساله سی و یکم: درباره زیبایی معقول (رساله هشتم از انثاد پنجم).
- رساله سی و دوم: معقولات در بیرون از عقل نیستند (رساله پنجم از انثاد پنجم).
- رساله سی و سوم: در رد عقاید اصحاب نحله گنوسی (رساله نهم از انثاد دوم).
- رساله سی و چهارم: درباره اعداد (رساله ششم از انثاد ششم).
- رساله سی و پنجم: چرا اشیای دور کوچک می نمایند؟ (رساله هشتم از انثاد دوم).
- رساله سی و ششم: آیا نیکبختی با گذشت زمان افزونی می گیرد؟ (رساله پنجم از انثاد اول).
- رساله سی و هفتم: درباره آمیزش کامل (رساله هفتم از انثاد دوم).
- رساله سی و هشتم: ایده های کثیر چگونه پیدا شدند؟ (رساله هفتم از انثاد ششم).
- رساله سی و نهم: درباره اراده آزاد (رساله هشتم از انثاد ششم).
- رساله چهلم: درباره کیهان (رساله اول از انثاد دوم).

- رسالهٔ چهل و یکم: دربارهٔ ادراک حسی و حافظه (رسالهٔ ششم از انثاد چهارم).
- رسالهٔ چهل و دوم: طبقات هستی «۱» (رسالهٔ اول از انثاد ششم).
- رسالهٔ چهل و سوم: طبقات هستی «۲» (رسالهٔ دوم از انثاد ششم).
- رسالهٔ چهل و چهارم: طبقات هستی «۳» (رسالهٔ سوم از انثاد ششم).
- رسالهٔ چهل و پنجم: ابدیت و زمان (رسالهٔ هفتم از انثاد سوم).
- رسالهٔ چهل و ششم: دربارهٔ نیکبختی (رسالهٔ چهارم از انثاد اول).
- رسالهٔ چهل و هفتم: دربارهٔ تقدیر «۱» (رسالهٔ دوم از انثاد سوم).
- رسالهٔ چهل و هشتم: دربارهٔ تقدیر «۲» (رسالهٔ سوم از انثاد سوم).
- رسالهٔ چهل و نهم: دربارهٔ اقاانیم شناسنده و آنچه ورای این اقاانیم است (رسالهٔ سوم از انثاد پنجم).
- رسالهٔ پنجاهم: دربارهٔ عشق (رسالهٔ پنجم از انثاد سوم).
- رسالهٔ پنجاه و یکم: ماهیت بدی (= شر) و منشأ آن (رسالهٔ هشتم از انثاد اول).
- رسالهٔ پنجاه و دوم: اثر ستارگان در آدمیان (رسالهٔ سوم از انثاد دوم).
- رسالهٔ پنجاه و سوم: موجود زنده چیست و آدمی چیست؟ (رسالهٔ اول از انثاد اول).
- رسالهٔ پنجاه و چهارم: دربارهٔ نیک نخستین (رسالهٔ هفتم از انثاد اول).^۱

1. The Encyclopedia of Philosophy, vol.6, pp.351-352/ Routledge Encyclopedia of Philosophy/ A History of Philosophy, vol.1, pp.463-464/ Enneads, Porphyry, On the life of plotinus and the other of his books.

دورهٔ آثار فلوطین، ج ۲، صص ۱۱۲۷-۱۰۹۹ / دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، صص ۵۹۳-۵۹۱ و ج ۱۰،

ص ۳۹۰ / تاریخ فلسفه، ج ۱، صص ۵۳۵-۵۳۳ / بزرگان فلسفه، ص ۱۳۳ / سیر حکمت در اروپا، ج ۱، ص ۸۵-۸۴ /

فروتنک فارسی، ج ۶، صص ۱۳۷۸-۱۳۷۷ و ج ۵، ص ۳۷۲ / حکمت یونان، صص ۲۱۷-۲۱۶.